

کشمیر و زبان فارسی

فاطمه وظیفه‌دان ملاشاهی

چکیده

کشمیر، قسمتی از ایالت جامو و کشمیر هند، همواره یادآور دیاری افسانه‌ای و سرسبز با جلوه‌هایی از زیبایی‌های شگرف است که مکان‌های تاریخی و مناظر طبیعی، جاذبه‌ی خاصی به آن بخشیده است. اشتراکات فراوان آب و هوایی، طبیعی و فرهنگی کشمیر و ایران سبب شده که کشمیر را «ایران صغیر» بنامند. زبان فارسی که زیرشاخه‌ای از زبان‌های هند و ایرانی است با زبان‌های شبه قاره، پیوندی دیرینه دارد؛ اما در واقع توسعه و نفوذ این زبان در هند، مدیون عرفا و مبلغان بزرگ اسلامی است که بیشترین سهم را در ترویج و گسترش اسلام در شبه قاره داشته‌اند. گروهی از این مبلغان که شاعرانی فارسی زبان بودند، پس از مهاجرت به کشمیر با نشر علوم، ادبیات و فرهنگ ایران، بستری مناسب را برای گسترش زبان و ادب فارسی در این سرزمین مهیا نمودند.

این قلم بر آن است تا ضمن معرفی اجمالی سرزمین کشمیر، به ارتباط کشمیر با زبان فارسی و شاعران فارسی‌گوی آن پردازد و زوایای پیدا و پنهان نفوذ زبان فارسی را در این سرزمین جستجو نماید. روش تحقیق کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: کشمیر، زبان فارسی، اسلام، عرفان، شعر.

مقدمه

کشمیر کلمه‌ای فارسی است که از دو جزء بن مضارع فعل کشیدن «کش» و «میریا

امیر» تشکیل شده است «یعنی زیبایی کشمیر و هوای مطبوعش، پادشاهان و بزرگان را به خود می کشد... پوست روشن، دماغ خوش ترکیب کشمیری ها، نژاد سامی را به ذهن می آورد. چنین فرض می شود که قبیله ی سامی «کوش» که نامش در کتاب مقدس تورات وجود دارد و به «نیمرو» مشهور بوده است، از ایران غربی به قسمت های شرقی تر مهاجرت کرده اند. در ادامه ی این نظر، فرض می شود که این قبیله علاوه بر پادشاهی کشمیر، شهرهای کاشان و کاشگر (کاشمر) را نیز بنیان گذاشته اند و بنابراین پیشوند «کش» زنجیره ای دقیق از منشأ نژادی و قومی آن ها را نشان می دهد.» (صافی، ۱۳۷۸: ۱۱۳-۱۱۲)

سرزمین کشمیر شامل دو قسمت کشمیر آزاد و ایالت جامو و کشمیر است قسمتی از کشمیر بزرگ، جزو ملحقات پاکستان شد که آن را «کشمیر آزاد» می گویند و قسمتی دیگر که در خاک هند باقی ماند به ایالات «جامو و کشمیر» شهرت دارد. ایالت جامو و کشمیر به سه ناحیه تقسیم می شود: جامو، کشمیر و لداخ (Ladakh). «جز در جمو (جامو)، که تعداد زیادی از سیک ها زندگی می کنند و لداخ که بیشتر سکنه ی آن بودائی اند اکثریت عظیم کشمیری ها مسلمانند.» (مصاحب، ۱۳۵۶: ۲۲۶) به «دره ی کشمیر» به سبب زیبایی های شگفت، «بهشت روی زمین» گفته می شود و «جمو» به «محل معابد جذاب» معروف است که همه ساله صدها هزار هندو و مسلمان آن ها را زیارت می کنند. «لداخ» نیز به سبب کوه های دور از دسترس و زیبا و همچنین فرهنگ بودایی به «تبت کوچک» شهره است.

جامو و کشمیر، به رغم داشتن منابع طبیعی، «از نظر اقتصادی یکی از محروم ترین ایالت های هند به شمار می آید. شغل حدود ۷۰٪ مردم این ایالت کشاورزی است. علاوه بر زراعت و باغداری (حدود ۰،۰۰۰، ۷۵ هکتار)، رمه گردانی و پرورش گاو، گاو میش، گوسفند، بز، اسب و زنبورداری در آن جا رایج است. از صنایع دستی، فرش بافی، ابریشم بافی، شال بافی و ساخت فرآورده های چوبی در جامو و کشمیر اهمیت دارد.» (نقوی، ۱۳۴۳: ۹۲)

جامو و کشمیر در جنوب جاده ی ابریشم قرار گرفته اما «به سبب ناهمواری ها و موقعیت طبیعی، از لحاظ ارتباطی با مشکلاتی روبروست. راه های ارتباطی جامو و کشمیر، به ویژه مراکز زمستانی و تابستانی آن، عمدتاً از پاکستان می گذرد.» (سعیدی، ۱۳۲۸: ۴۵) مسلمانان، هندوها، سیک ها و بودایی ها مهم ترین گروه های مذهبی در جامو و کشمیرند.

سرینگر مرکز کشمیر است در دره ی حاصلخیز کشمیر، «بین دریاچه هایی با آب شفاف و زلال بنا شده و بسیاری از خانه های مسکونی بر سطح آب دریاچه ها ساخته شده است.» (صافی، ۱۳۷۸: ۱۱۰) مردم سرینگر، مسلمان و از نژاد کشمیری اند و به زبان کشمیری صحبت می کنند. از مناظر طبیعی کشمیر می توان به باغ شالیمار، باغ نشاط، دریاچه ی ولر، دریاچه ی دل و وادی دولاب اشاره کرد که در دل کشمیر چون نگین های زیبایی می درخشند و این سرزمین را به بهشتی در روی زمین تبدیل کرده اند. مکان های مقدس کشمیر؛ خانقاه بلبل شاه، خانقاه شاه همدان، خانقاه های «والا»، «اعلا»، و «کبرویه»، مسجد حضرت بل و مسجد جامع کشمیر می باشند که جنبه ی قدسی دارند و مورد توجه مردم این دیار هستند.

پیشینه ی تحقیق

درباره ی کشمیر، شاعران و صوفیان آن، تحقیقاتی انجام گرفته و آثاری به چاپ رسیده است که به برخی از آن ها اشاره می شود؛ کتاب کشمیر از ابوالقاسم رادفر که دربرگیرنده ی اطلاعات سودمندی در مورد کشمیر، شاعران و صوفیان آن سرزمین است و نیز آثاری چون تذکره ی شعرای کشمیر از اصلح، برگزیده ای از پارسی سرایان کشمیر از تیکو، تذکره ی شعرای کشمیر از راشدی که به بررسی شاعران و پارسی سرایان کشمیری پرداخته است. همچنین سیدناصری در کتاب «کشمیر» و سعیدی در «مسأله ی کشمیر و حیدرآباد» در باب کشمیر سخن گفته اند و صابرآفاقی در کتاب «صوفیان کشمیر و نقش آن در نشر فرهنگ و ادب فارسی» صوفیان کشمیر را عامل مهمی در نشر و گسترش ادب فارسی در کشمیر دانسته است.

ورود اسلام به کشمیر

دین مبین اسلام دیرتر از سایر نقاط شبه قاره به سرزمین کشمیر رسید؛ اما به زودی گسترش قابل ملاحظه ای پیدا کرد و حکومت مسلمانان در آن جا تشکیل گردید. (رادفر، ۱۳۸۵: ۳۴) پیش از ورود اسلام به کشمیر «این خطه را ناحیه ی قماربازان و مشروب خواران و بدکاران تلقی می کردند. سلطان صدرالدین، اولین پادشاه مسلمان بود که در کشمیر بر تخت شاهی جلوس کرد. او که قبل از مسلمان شدن «سلطان رنچن نامیده می شد،

در برخورد با سید بلبل شاه سهروردی، دین اسلام را اختیار کرد.» (محمی الدین، ۱۹۴۹، ج ۱: ۸۵۸۴) اما عصر شکوفایی و گسترش اسلام با ورود صوفیانی چون میر سید علی همدانی و یارانش آغاز گردید. «بسیاری از خانقاه ها و مساجد، به نام «مساجد حضرت امیر» در دوره ی او ساخته شده است.» (ریاض، ۱۳۷۰: ۵۰)

صوفیان کشمیر

- **بلبل شاه سهروردی:** اولین معرف اصلی دین اسلام در ولایت کشمیر، عارف مشهور سید عبدالرحمن شرف الدین بلبل شاه سهروردی ترکستانی است. او حنفی مذهب بود و سهروردی مسلک (رادفر، ۱۳۸۵: ۴۵) «احتمال دارد که به علت شیرین زبانی خود به نام بلبل معروف شده باشد.» (آفتاب اصغر، ۱۹۹۲: ۱۷۱)

- **حبیب کشمیری:** در نوشهر سرینگر متولد شد. در هفت سالگی قرآن را حفظ داشت. به سماع علاقه ی فراوانی داشت و به زبان های فارسی، عربی و کشمیری شعر می گفت. «تخلص فارسی او حبیب و تخلص کشمیری او حبیبی است. ابیات زیر از اوست:

زهی حالی که در وی لا نگنجد چیه حد لا درو آلا نگنجد
یامنم اندرجهان ویا جهان اندرمن است خرمنی دردانه ویا دانه اندرخرمن است»

(شیروانی، بی تا: ۶۸-۶۷)

- **الله عارفه:** بی بی الله عارفه کشمیری از شهر سرینگر کشمیر و از ارادتمندان شیخ بلبل شاه بود. (صابر آفاقی، ۱۳۵۰: ۶۹)

- **میرسید علی همدانی:** میرسید علی همدانی ملقب به علی ثانی و بت شکن کشمیر، با عنوان شاه همدان، نسبت او به زین العابدین (ع) می رسد. او رئیس فرقه ای صوفی به نام سلسله ی همدانیه است. (صافی، ۱۳۷۸: ۱۰۸) میرسید علی همدانی مروج اسلام در کشمیر که شاعر نیز بوده است. علامه اقبال درباره ی وی چنین گفته است:

سید سادات، سالار عجم دست او معمار تقدیر امم
تا غزالی درس آلا هو گرفت ذکر و فکر از دودمان او گرفت

(اقبال لاهوری، ۱۳۸۸: ۴۰۷)

- **میرسید محمد همدانی:** فرزند میرسیدعلی همدانی و «مانند پدر، نویسنده و شاعر بوده و رساله‌ای در تصوف و شرح شمسیه در منطق از او مانده است.» (نفیسی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۷۳)

- **نورالدین ولی:** یکی دیگر از عارفان کشمیر، ریشی به معنی حکیم و درویش و خدادوست، مؤسس سلسله‌ی ریشیه در کشمیر به شمار می‌رود. ریشی‌ها میوه می‌خوردند و از ازدواج و دیگر لذات خودداری می‌کردند. (صابرآفاقی، ۱۳۵۰: ۷۲-۷۳)

زبان فارسی در هند و کشمیر

زبان فارسی از گروه هندوایرانی زبان‌های هند و اروپایی است. بنابراین پیوند زبان فارسی و زبان هندی و کشمیری به زمان‌های دور باز می‌گردد. هر چند پیشرفت این زبان و نفوذ بیش از پیش آن در هند و به خصوص در کشمیر با ورود اسلام و مبلغان این دین، که اکثر آن‌ها فارسی‌زبان بودند، سرعت می‌گیرد. افرادی چون میرسیدعلی همدانی، یاران و همراهانش را به نقاط مختلف کشمیر می‌فرستد؛ چون زبان مادری آن‌ها فارسی است، برای ترویج احکام اسلام از این زبان استفاده می‌کنند؛ در نتیجه زبان فارسی در کنار توسعه‌ی فرهنگ و معارف اسلامی، رواج می‌یابد و البته شعر که صوفیان آن‌را وسیله‌ی ترویج این احکام و افکار قرار داده بودند، نیز عامل مهمی در رشد زبان فارسی این خطه به شمار می‌رود. «دوره‌ی چکان (۹۶۲-۹۹۲ق) از نظر پیشرفت زبان فارسی، دوره‌ی ترقی شمرده می‌شود. آن‌ها فرمانروایان کشمیر بودند و ادب و فرهنگ فارسی را شعار دربار خود قرار دادند. دربار چکان مهدسرایندگان و نویسندگان فارسی‌زبان قرار گرفت. در این دوره، عده‌ای از متصوفه و مشایخ موجب سربلندی و شهرت این پادشاهان بودند؛ مانند بابا داود خاکی، شیخ حمزه مخدوم، محمد امین مستغنی، باباطالب اصفهانی، ملا میرعلی و...» (راشدی، ۱۹۶۹: ۲۲۵)

پادشاهان چک در مقابل حملات اکبرشاه شکست خوردند و «در اواخر قرن ۱۰م، کشمیر جزء قلمرو اکبرشاه شد (۱۵۸۶) ... جهانگیر به کشمیر رغبت تمام داشت و به خاطر زوجه‌ی ایرانی اش، نورجهان، درخت چنار را از ایران به کشمیر برد و کشت آن را معمول ساخت.»

(مصاحب، ۱۳۵۶: ۲۲۲۶) دربار این پادشاهان پذیرای شاعران، دانشمندان و هنرمندان ایرانی و هندی گردید. مهم‌ترین دوره برای ترویج زبان و ادب فارسی در هند را می‌توان دوره‌ی

شاه جهان دانست. فرمانداران او که از حامیان زبان و ادبیات فارسی و نیز شاعرانی بزرگ بودند، کمک شایانی به گسترش این زبان در کشمیر نمودند. با ورود اسلام و پیشرفت زبان فارسی در کشمیر آثار زیادی به این زبان خلق شد که به معرفی تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم:

- **تاریخ حسن/ اسرارالآخبار:** این تاریخ از پیرغلام حسین کهویامی است درباره‌ی جغرافیای طبیعی و انسانی کشمیر، تاریخ سیاسی و احوال صوفیان و شاعران پارسی‌گوی کشمیر. (کلهن، ۱۳۵۳، مقدمه: ۳۰-۲۹)

- **تاریخ حیدرملک:** این تاریخ در عهد مغول به وسیله‌ی ملک حیدرکشمیری در سال ۱۰۳۹ قمری بر اساس راج ترنگینی تألیف شده است. موضوع این تاریخ، اوضاع و احوال کشمیر از قدیم تا فتح کشمیر به وسیله‌ی اکبر شاه است. (رادفر، ۱۳۸۵: ۵۷)

- **تاریخ شاهنامه/ شاهنامه‌ی کشمیر:** سروده‌ی محمد توفیق درباره‌ی تاریخ سیاسی کشمیر است. (انوشه، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶۹۲)

- **راج ترنگینی:** کهن‌ترین و مهم‌ترین تاریخ کشمیر که در عهد راجه جی سینگ به وسیله‌ی «کلهن» به زبان سنسکریت و به نظم سروده شده است «صوفی مصنف کشمیری راج ترنگینی را شاهنامه‌ی کشمیر خوانده است» (کهویامی، بی تا: ۱۷)

- **منتخب التواریخ:** نوشته‌ی پاندت نراین کول، متخلص به عاجز، در سال ۱۱۲۲ نوشته شده و نویسنده در آن از راج ترنگینی بهره‌ها برده است. در این کتاب به بررسی واژه‌ی کشمیر و فرمانروایان این سرزمین از روزگار باستان تا دوره‌ی تیموریان و جغرافیای کشمیر پرداخته شده است. (رادفر، ۱۳۸۵: ۵۷)

پارسی سرایان هندی و کشمیری

نفوذ زبان و ادبیات فارسی در کشمیر، ارکان مختلف زندگی مردم از تاریخ و سیاست گرفته تا شعر و عرفان و هنر را تحت تأثیر قرار داد. در کنار مسلمانان کشمیر، هندوها و سیک‌ها هم به این زبان علاقه نشان دادند و علاوه بر تکلم بدان، در نوشته‌های ادبی و علمی خود از آن بهره‌گرفتند. «به نظر بلوخنم هندوان تنها بنا به عوامل اقتصادی، فارسی را یاد گرفتند» (سید عبدالله، ۱۳۷۱: ۲۰۲)

- آزاد کشمیری، محمد علی: میرزا محمد علی متخلص به "آزاد" علاوه بر شاعری، عارف، طیب و خطاط نیز بوده است. شهرت او در غزل سرایی است؛ هرچند در مثنوی و قصیده نیز طبع آزمایی نموده است، مثنوی های او عرفانی و به پیروی از مثنوی مولانا است:

همه جاجلوه ی یار است چه دیر و چه حرم حاجیان کرده طلب بادیه پیمایی را
جای در چشم و دل و جان منش هست مدام همه جا می نگرم آن بت هر جایی را

(هدایت، ۱۳۴۰-۱۳۳۶، ج ۴، ۱۴۱)

- آذر، جولاپرشاد: لکهنویی است و در شعر فارسی و هندی، صاحب مقام و در فنّ انشایی نظیر است. (راشدی، ۱۹۸۳، ج ۱: ۶):

دل را اگر ز راه هوس می توان گرفت فیض هماز بال مگس می توان گرفت
آسوده زیر تیغ بلا می توان نشست خود را به زیر شعله چو خس می توان گرفت
آذر چو محتسب ره میخانه طی کند تاوان شیشه را ز عسس می توان گرفت

(تیکو، ۱۳۴۲: ۱۰۲)

- اویسی، محمد امین: محمد امین موسوم به میربابا اویسی مشهور به "ویس" فرزند سید حسین بیهقی است. ابیات ذیل از ترجیع بند معروف اوست:

آزمودم جهان و اهل جهان آن چه هستند آشکار و نهان
نی ترحم به حال زده ای نی تکلم به لطف یا احسان
جمله در قصد خون یکدگرند اوفتاده چو موش در انبان
کارشان نی به غیر کذابی یادشان نی به خلق جز بهتان

(همان: ۷-۱)

- بزرگی: رادفر به نقل از شیرخان لودی این شاعره کشمیر را چنین معرفی می کند: «لولی بود، گویند در عهد جهانگیر پادشاه از غایت علو فکر، ترک پیشه ی خود کرده، در گوشه ی قناعت و توکل خزیده بود» (رادفر، ۱۳۸۵: ۶۳)

مو به مو در ناله ام گویی که استاد ازل رشته ی جانم به جای تار در طنبور بست

(سحر کاکوروی، ۱۹۹۶: ۳)

- بقا، پندت مست رام: از سخن سرایان فارسی زبان سرینگر بود. از آثار وی: سوزن نامه، دستورالعمل به سبک نثر ظهوری، بحر طویل و دیوان است:

قسم به جان تو بیمارم و نخواهم زیست طیب آمد و نبض مرا گرفت و گذشت
تا پرده برفتاد از آن رو، به یک طرف یک سو پرید رنگ ز گل، بوبه یک طرف

(راشدی، ۱۹۸۳: ۱۳۴)

- بهار، پندت لسه گول: فرزند تیکارام جیو متخلص به آخون است:

بلبل! بیا که مطرب بزم چمن تویی برچنگ ناله زن ره نوروز را دگر
برگرد چشم سبزه ی نورسته می دهد از خط نو دمیده ی چاه ذقن خبر

(همان: ۱۳۷)

- بیتاب، پندت تابه رام ترکی: در سرینگر متولد شد. آثار او شامل: «جنگ افغانان و سکهان، رنجیت نامه و اکبرنامه [است]، دیوان وی کمیاب است.» (رادفر، ۱۳۸۵: ۷۳) در بخت زیر نه تنها از بخت سیاه خویش گله ای ندارد؛ بلکه به واسطه ی هم رنگی با زلف معشوق، از این سیاهی ابراز خرسندی نیز می کند:

سیاه بختم و از بخت خویش خرسندم چراکه بخت من وزلف یار هم رنگ است

(راشدی، ۱۹۸۳: ۱۳۸)

- بینش کشمیری: میرجعفر بیک کشمیری متخلص به "بینش" هندی است. کلیات او

شامل مثنوی و غزل و قصیده است. خمسه ای هم به استقبال نظامی سروده است:

هر که از عالم خراب گذشت تـشـنـه ای بود کز سراب گذشت
ای خوش آن کس که از سر دنیا خنده رو همچو آفتاب گذشت

(صفا، ۱۳۶۴: ۱۳۲۱)

- تیکارام جیو، پندت آخون: آخون مدرس فارسی و عربی است و بیک مثنوی به نام کبک

نامه دارد:

چو کبک صبح نورانی، به صد ناز ز کوه چرخ کرده خـنـده آغاز
سیاهی بلبل آسا پر زد از باغ حواصل سر کشید از بیضه ی زاغ

سمن بویان، چوسرو استاده گشتند همه ثابت قدم چون جاده گشتند

(راشدی، ۱۹۸۳: ۱۷۷)

- **جویا کشمیری**: میرزا داراب بیگ متخلص به "جویا" خاندانش در اصل تبریزی بودند، که به هند رفته و در کشمیر ساکن شدند. کلیات او شامل قصاید، مثنویات، غزلیات، رباعیات و قطعات است. لیکن مانند دیگر معاصرانش بیش تر به غزل سرایی توجه داشته است. جویا ارادت خاصی به پیامبر اکرم (ص) و ائمه ی اطهار (ع) دارد. قصاید بسیاری در وصف و مدح امام علی (ع) سروده است که ابیاتی از آن ها در این جا ذکر می شود:

ای فدای مرقد پاک تو سر تا پای من یا علی مولای من، مولای من، مولای من
مظهر کل فاتح خیبر امیر المؤمنین بندگی قنبرش فخر من و آبای من
آب و رنگ زینت گلزار هستی تا شدند چون گل رعنا به گیتی سید و مولای من

(آرزو، بی تا: ۳۸)

- **حضوری**، پندت هره کول: در سرینگر سکونت داشت. در دو بیت زیر، از جانی

سخن می گوید که لبریز از عشق جانان است:

تاحنا بستی ز خون چشم خون افشان ما پنجه ی مرجان نمودی پنجه ی مژگان ما
بیخودم، مخمورم و مستانه ام، مستم ز تو دین ما، ایمان ما و جان ما، جانان ما

(راشدی، ۱۹۸۳: ۱۹۱۳)

- **خوشدل**، پاندیت دیارام کاجرو: خوشدل در ۱۷۴۴ میلادی در سرینگر متولد شد.

دو بیت زیر از اوست:

ز خطه، چون قدم بیرون کشیدم تماشای جهان بسیار دیدم
کشیدم رخت چون در شهر لاهور مرا دریای راوی گشت منظور

(همان: ۲۳۱)

- **دانای کشمیری (ملا)**: در نظم و نثر، استادی یگانه بود. دو بیت زیر در مدح حضرت

علی (ع) از اوست:

گر کوه را به قوتِ سرپنجه ی غضب آن مظهر جلال الهی دهد فشار

در چشمه سار آب جواهر روان شود گردد فسرده معدن یاقوت چون انار
(نقش علی، ۱۹۹۲: ۶۲)

- **ذهنی کشمیری:** از سخندانان بی نظیر عهد خویش بود. ابیات زیر از ساقی نامه ی او انتخاب شده است:

چراغی که مستست ازو جزو وکل چه اصل وچه فرع وچه خار و چه گل
شرابی کزو شد دل غمزمده چو وادی ایمن تجلی کده
دماغ از شمیمش بهاری شود به یادش درون، لاله زاری شود
(اصلاح، ۱۳۴۶: ۷۲-۶۹)

- **سالم کشمیری:** اسم او ملا لطف الله ولد سید میرعلی از سادات کشمیر است. سالم تخلص دارد. (لغت نامه) «از برهمن زادگان کشمیر بود که در اواسط سده ی یازدهم قمری به دنیا آمد. دیوان او مشتمل است بر غزلیات و رباعیات و مخمسات و قصاید و مثنوی که «گنج معانی» نام دارد.» (رادفر، ۱۳۸۵: ۶۵)

در بتکده قفلِ درِ اسرار شکستم بر فرق بت آئینه ی پندار شکستم
معموره ی تن رفت به تاراج جنونم چون سیل طلسمِ در و دیوار شکستم
سالم نفس باز پسینم رگ دل شد گشتم همگی مرکز و پرگار شکستم
(محمد ظفرخان، ۱۳۴۱: ۵۵-۵۰)

- ز احسان می شود صاحب کرم را دولت افزونتر بلی هر چاه را آب از کشیدن بیش می گردد
ماییل شدن بغیر نه نقص جم لال تست چون مهر و مه ظهور تو هر جا کمال تست
به طریقی که سخندان به سخن دارد میل بیش از آن است سخن هم به سخندان محتاج
(نصرآبادی، ۱۳۵۲، بخش ۳: ۴۵۰)

- **سرخوش کشمیری:** محمد افضل سرخوش پسر محمد زاهد در کشمیر ولادت یافت. صاحب سفینه ی خوشگو از شاگردان اوست. نورعلی نور از مثنوی های معروف وی در جواب مثنوی ملای روم سروده شده و کلمات الشعرا نیز از آثار مشهور اوست:
به هم ناید چو گل از خنده ی شادی دهان ما چه خوش نامی برآمد الله الله از زبان ما

به سر داریم سودای گل دیدار خورشیدی که چون شبنم همه چشم است بارکاروان ما
فسون حیرت حسن توتا مهرخموشی شد بود از بوی گل یک پرده نازکتر فغان ما
(رادفر، ۱۳۸۵: ۶۶)

- **ظفرخان احسن:** احسن تربتی، ملقب به ظفرخان ومخاطب به آصف خان، فرزند خواجه ابوالحسن تربتی شاعر و دولتمرد ایرانی تبار هندی است. فرزندش میرزا محمد طاهر، مخاطب به عنایت خان و متخلص به آشنا، نیز از شاعران است. احسن قصیده، غزل، رباعی و مثنوی می سرود. در غزل با مضامین عرفانی و عاشقانه بیشتر طبع آزمایی کرده است. از آثارش می توان به مثنوی هفت منزل در وصف کشمیر، مثنوی جلوه ی ناز، مثنوی میخانه ی راز، دیوان اشعار اشاره کرد. (همان: ۶۷)

دلم به کوی تو امیدوار می آید نگاه دار، که روزی به کار می آید
- گوشه ی چشمی اگر ساقی به ما دارد بجاست

عمرها در گوشه ی میخانه، خدمت کرده ایم

(انوشه، ۱۳۸۰: ۱۰۰)

- **غنی کشمیری:** ملا محمد طاهر کشمیری متخلص به غنی از برجسته ترین شاعران پارسی گوی کشمیری است. «طایفه ی وی اصلاً از خراسان بوده و به همراه میر سید علی همدانی عارف مشهور به کشمیر مهاجرت نمود» (صفا، ۱۳۶۴، ج ۵، بخش ۲: ۱۲۵۶) دیوان غنی شامل غزل ها، رباعی ها و مثنوی های اوست:

صفای حسن بتان می تراود از دل ما به آب آینه گویی سرشته شد گل ما

چنان به یاد سر زلف او گرفتاریم که غیر خانه ی زنجیر نیست منزل ما

شدیم خاک ز بس در خیال عارض او سزد اگر گل خورشید روید از گل ما

(همان: ۱۲۶۰)

- **فانی کشمیری:** «شیخ محسن متخلص به "فانی" حدود ۱۶۱۵ میلادی در کشمیر متولد شد. از آثار مثنوی فانی کتاب های: دبستان مذاهب، نجات المؤمنین و شرح عین العلم را باید

نام برد. «(رادفر، ۱۳۸۵: ۵۷) دیوانش شامل: قصیده، غزل، قطعه، رباعی و مثنوی هایی است که به پیروی از خمسه ی نظامی سروده است:

خاموشی عارفان به از پر نفسی است آشفته دلی ها اثر بلهوسی است
بی قید مباش تا پریشان نشوی پرواز دگرگون تو از بی قفسی است

(تیکو، ۱۳۴۲: ۵۵-۴۸)

- **شیخ محمد یعقوب صرفی** (م ۱۰۰۳ هجری) از نامداران ادب فارسی کشمیر که در مثنوی های پنجگانه خود، خمسه ی نظامی را جواب گفته است. دیوان اشعاری نیز به فارسی دارد: درصد هزار آینه یک روست جلوه گر

در هر چه بینم آن رخ نیکوست جلوه گر
و این طرفه ترکه دوست به هر سوست جلوه گر

خلقی به هر طرف شده سرگشته بهر دوست
(صابر آفاقی، ۱۳۵۰: ۷۶)

- **موبد کشمیری، پندت زنده رام**: شاعر پارسی گوی هندی که در غزل سرایی صاحب نام است. ارادت خاص او به حضرت علی (ع) در سراسر اشعارش به چشم می خورد: عاشقان را از دل و جان جان نثاری مقصد است

هر که سر بنهد به تیغ عشق مولا سرمد است

(رادفر، ۱۳۸۵: ۷۵)

- **وارسته، پندت بیربل کاجرو**: «بیربل کاجرو» فرزند «دیارام» متخلص به «وارسته» در سال ۱۸۰۵ م در سرینگر متولد شد. او علاوه بر دیوانی محتوی غزلیات و رباعیات و مثنوی سستی نامه معروف به سوز و گداز است، تاریخ کشمیر به نام مجمع التواریخ را هم به نثر نوشته است. (همان: ۷۵)

از بزم طرب باده گساران همه رفتند سیمین بدنان گلعداران همه رفتند
افسوس همین است درین دیر خراب ما با که نشینیم که یاران همه رفتند

(تیکو، ۱۳۴۲: ۱۷۳)

شاعران ایرانی کشمیر

- **بابا طالب اصفهانی:** در زمان حکومت چکان به کشمیر رفت. ابیات زیر از اوست:

در حلقه ی ما زمزمه ی سورنباشد ما غمزدگان را دل مسرور نباشد
ویرانه ی دل چون سر تعمیر ندارد بگذار که این میکده معمور نباشد

(کھویامی، ۱۹۶۰: ۴)

- **حاجی محمد جان قدسی:** وطنش مشهد مقدس است. به هند و دربار شاه جهان

رفت و ملک الشعرا ی وقت شد. آخر عمر را در کشمیر گذراند و در مزار شعرا مدفون شد:

نگهت عشوه گر و عربده ساز است هنوز چشم مخمور تو سرفتنه ی ناز است هنوز
تازه شد دوستی ما به خط تازه ی تو باز کی ناز که آغاز نیاز است هنوز
خاک شد پیکر مخمور ز تأثیر وفا دل او در شکن زلف ایاز است هنوز

(انصاری، ۱۹۶۱: ۷۷)

- **محمد قلی سلیم:** در زمان شاه جهان از ایران به هند رفت. مثنوی قضا و قدر و مثنوی

کشمیر او زبازد ارباب فضل است. او آخر عمر به کشمیر رفت و در مزار شعرا مدفون است:

توان از دانه های سبحة دانست که دل ها را به دل ها راه باشد
در تلاش سوختن چون کاغذ آتش زده داغ های سینه ام باهم به جنگ افتاده است

(همان: ۷۹)

کلیم کاشانی: نام وی ابوطالب و تخلصش کلیم بود. «در همدان ولادت یافت؛ لیکن به

سبب اقامت طولانی در کاشان به کاشانی مشهور شد. مدتی در شیراز سرگرم تحصیل علوم

بود. در عهد جهانگیر به هندوستان رفت و باز به ایران و سپس به هندوستان بازگشت و

چندی سرگرم مدح امرای درباری و دولتی مغول بود تا سمت ملک الشعرا یی دربار شهاب

الدین شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ هجری = ۱۶۲۸-۱۶۵۸ میلادی) یافت و اواخر عمر را در

کشمیر گذراند تا به سال ۱۰۶۱ هجری (۱۶۵۰ میلادی) درگذشت.» (صفا، ۱۳۶۴، ج ۳: ۹۲)

درشتنداهل عالم، خواه شهری خواه صحرا یی قضا نابیخته گل کرد گویی خاک آدم را

(کلیم کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۲۴)

- **میر الهی، میر عمادالدین محمود:** از سادات و سخندانان ایرانی بود. در عهد شاه جهان به کشمیر رفت:

چنان ارزان متاع زندگی را می دهم از کف که گویا کاروان عمر می آید ز پس ما را
(راشدی، ۱۹۸۳: ۱۱۲)

- **طغرای مهدی:** طغرا شاعر خوش طبع و سخنور ایرانی است. در آخر عمر به تشویق میرزا ابوالقاسم دیوان، مشهور به قاضی زاده به کشمیر آمد و پس از مرگ در مزار شاعران محله ی "درگجن" به خاک سپرده شد.

خوش آن ساعت که بزم آرا نشینی برب جویی خط پشت لب چشم قدح را گرد دابرویی
(کهویامی، ۱۹۶۰: ۱۲)

- **میر علی:** از فاضلان و شاعران ایران بود. در عهد حسین شاه به کشمیر رفت. در کشمیر مسجدی بنا نمود که گویا در همان جا مدفون شد:
گل به دستم چه نهی در کف من خار خوش است

این گل تازه بر آن گوشه ی دستار خوش است
(کهویامی، ۱۹۶۰: ۲)

کشمیر در شعر شاعران پارسی گوی

کشمیر یکی از زیباترین نواحی مشرق زمین است. «کوهستانی است و قسمت هایی از هیمالایا و قراقرم در آن است. رود سند از آن می گذرد.» (مصاحب، ۱۳۵۶: ۲۲۲۶) و «به سبب زیبایی کشمیر، پادشاهان مغول آن را بهشت روی زمین خوانده اند» (سیدناصری، ۱۳۸۰: ۲۱) و بسیاری از ادیبان و شاعران از این سرزمین مینو نظیر الهام گرفته اند که به ذکر تعدادی از آن ها می پردازیم:

- قصیده ی فیض دکنی در وصف کشمیر حاوی یکصد بیت است که به هنگام نخستین مسافرت اکبر شاه به کشمیر سروده است. بنا به قول گ.ل. تیکو این اولین قصیده ای است که درباره ی کشمیر سروده شده است. ابیاتی چند از این قصیده:

هزار قافله ی شوق می کند شبگیر که بار عیش گشاید به عرصه ی کشمیر

تبارک الله از آن عرصه ای که دیدن او ورق نگار خیالست و نقشبند ضمیر
(تیکو، ۱۳۴۲: ۱۸۴)

- عرفی شیرازی در وصف کشمیر چنین می گوید:

هر سوخته جانی که به کشمیر درآید گر مرغ کباب است که با بال و پر آید
وانگه به چنین فصل، که در ساحت گلزار از لطف هوا، چاشت نسیم سحر آید
فردوس به دروازه ی کشمیر رسیده است گو مدعی ای گر نگرنده است درآید
زیبایی کشمیر، گرش باعث عشوه است من می خرم از زال فلک عشوه گر آید
(راشدی، ۱۹۸۳: ۸۳۲)

- طالب آملی کشمیر را جایگاه خوبان دلربا دانسته است:

بیا که مجمع خوبان دلربا اینجاست کرشمه ها همه اینجا و نازها اینجاست
قدم ز نقطه ی کشمیر بر نمی گیرم مقیم مرکز عیشیم و جای ما اینجاست
(همان: ۸۲۷)

- ظفرخان تربتی خزان کشمیر را که فصل زعفران است به زیبایی توصیف می کند:

الهی تا بود کشمیر آباد ز گلزار خراسانم مده یاد
به هر کس هر چه خواهد بی سخن ده مرا کشمیر و بلبل را چمن ده
خوشا کشمیر و ایام خزانش خوشا کشمیر و فصل زعفرانش
(رادفر، ۱۳۸۵: ۸۹)

- دو بیت زیر در وصف کشمیر از طغرای مشهدی است:

کشمیر بود فصل خزان عالم نور بر طالب فیض دیدنش هست ضرور
گویی که درین باغ چمن ساز قضا آورده نهال شعله از خرمن طور
(کھویامی، ۱۹۶۰: ۱۳)

- حاجی محمدجان قدسی که از وطن خود، مشهد مقدس، راهی هند شد و در دربار

شاه جهان، لقب ملک الشعرا یافت، از سختی های راه کشمیر می گوید:

بود قطع ره کشمیر مشکل به حق نتوان رسید از راه باطل

مگر زین راه باریکت خبر نیست که گویی کوه را موی کمر نیست
(انصاری، ۱۹۶۱: ۷۷)

- فرخی سیستانی آرزوی کشمیر را در دل دارد:

ما را ره کشمیر همی آرزو آید ما ز آرزوی خویش نتابیم به یک موی
گه هست که یکباره به کشمیر خرامیم از دست بتان پهنه کنیم از سر بت گوی
(فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۳۶۵)

- کلیم کاشانی شمیم خلد را گدای دیار کشمیر می داند:

شمیم خلد گدای دیار کشمیر است شکفتگی، گل خار بهار کشمیر است
لب پیاله ز تبخال رشک می سوزد که نشده وقت لب جویبار کشمیر است...
(کلیم کاشانی، ۱۳۳۶: ۱۳۸)

- ابیاتی در وصف کشمیر از مثنوی ابوالبرکات منیر لاهوری، شاعر شبه قاره:

نباشد هیچ شهری دل فروگیر بسان خطه ی دلجوی کشمیر
کجا شهری بود، با او، برابر بلی کشمیر دارد سنگ دیگر
(راشدی، ۱۹۸۳: ۱۵۰۹)

- استاد سخن سعدی، شاهد زیبا روی را همسایه ی لعبتان کشمیری می انگارد:

آن کیست که می رود به نخجیر پای دل دوستان به زنجیر
همشیره ی جادوان بابل همسایه ی لعبتان کشمیر
(سعدی، ۱۳۷۸: ۶۳۸)

- نظامی در منظومه ی عاشقانه ی خویش «خسرو و شیرین» از کشمیر چنین یاد می کند:

یکی گفتا که در اقصای کشمیر ز شیرینی نباشد هیچ تقصیر

(نظامی گنجوی، ۱۳۸۵: ۲۷۸)

- سنایی، معشوق سنگین دل زیبا منظر را اینگونه وصف می کند:

الا ای نقش کشمیری الا ای حور خرگاهی به دل سنگی به برسیمی به قدس روی به رخ ماهی
شه خوبان آفاقی به خوبی در جهان طاقی به لب درمان عشاقی به رخ خورشید خرگاهی
(سنایی غزنوی، ۱۳۹۰: ۵۱۲)

- حسن و زیبایی کشمیر و کشمیریان، الهام بخش حافظ نیز بوده است:
به شعر حافظ شیرازی گویند و می رقصند سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی
(حافظ شیرازی، ۱۳۸۹: ۵۹۹)

نتیجه

زرتارهای زبان فارسی در تار و پود کشمیر، تنیده شده است. این زبان، طی سالیان
متمادی، در تمام جنبه های مادی و معنوی زندگی مردم این دیار رسوخ کرد و در نهایت
استواری، شبه قاره و از جمله کشمیر را اسیر خود نمود. به گونه ای که مردم علاوه بر تکلم
بدان، آثار ادبی و علمی برجسته ای نیز به این زبان خلق کردند. آثاری چون؛ ترجمه ی راج
ترنگینی، تاریخ حیدرملک، منتخب التواریخ، تاریخ کشمیر و...

نفوذ قدرتمند زبان فارسی با ورود اسلام و عرفان به این سرزمین، از زمان سید بلبل
شاه سهروردی، میر سید علی همدانی و یارانش شدت می گیرد. میر سید علی همدانی، که
او را عامل پیوند مردم کشمیر با ایران می دانند، با ترویج علم و فرهنگ ایرانی، کشمیر را به
«ایران صغیر» تبدیل می کند. او شاعری است صوفی مسلک که شعر را وسیله ای برای
ترویج افکار صوفیانه قرار می دهد و البته این ویژگی عمده ی صوفیان کشمیر است.

زبان فارسی در دوره ی چکان رو به ترقی می گذارد و دربار این فرمانروایان، مهد
سرایندگان و نویسندگان فارسی زبان می شود. پس از چکان دوره ی سلطنت مغول آغاز
می شود. این پادشاهان شخصیت های معتبر را به پایتخت فرامی خوانند و پذیرای دانشمندان
و هنرمندان سرزمین های دیگر خصوصاً ایران می گردند.

شاه جهان فرمانروای شاعر و ادب دوست این خاندان، در دربار خود فرماندارانی دارد
که حامی زبان و ادبیات فارسی و همچنین شاعرانی بزرگ هستند. کلیم همدانی در دربار
شاه جهان، لقب ملک الشعرا می گیرد. شاعران دیگر این دوره نیز، از سرایندگان معروف
کشمیر به شمار می روند.

منابع

- ۱- آرزو، سراج الدین علی خان، مجمع النفایس، تذکره ی شعرای فارسی (سده ی دوازدهم)، تصحیح و ترتیب از عابد رضا بیدار، پتنه، خدابخش اورینتل پبلک لائبریری، بی تا.
- ۲- آفتاب اصغر، ارمغان کشمیر، لاهور: انتشارات فاران و خانه فرهنگ ج.ا.، ۱۹۹۲.
- ۳- اصلح، تذکره شعرای کشمیر، به تصحیح سید حسام الدین راشدی، اقبال آکادمی کراچی، ۱۳۴۶.
- ۴- اقبالی، غلامحسین، بررسی استراتژیکی مناطق پاکستان، رساله ی ارتقای افغان، تهران، بی تا.
- ۵- انصاری، شریف النساء بیگم، حیات و تصنیفات میرزا ابوطالب کلیم همدانی، حیدرآباد دکن: مطبع ابراهیمیه (اردو)، ۱۹۶۱.
- ۶- انوشه، حسن، دانشنامه ی زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۰.
- ۷- تیکو، گ.ل، برگزیده ای از پارسی سرایان کشمیر، تهران: انجمن ایران و هند، ۱۳۴۲.
- ۸- حافظ، خواجه شمس الدین محمد، دیوان، به کوشش خطیب رهبر، چاپ پنجاهم، تهران: انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۸۹.
- ۹- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ اوّل دوره جدید، انتشارات روزنه، ۱۳۷۳.
- ۱۰- رادفر، ابوالقاسم، کشمیر، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۱۱- راشدی، سید حسام الدین، تذکره ی شعرای کشمیر: بخش ۱، لاهور: اقبال آکادمی پاکستان، بخش دوم و سوم، چاپ دوم، ۱۹۸۲، بخش چهارم، اقبال آکادمی کراچی، ۱۹۸۳.
- ۱۲- ریاض، محمد، احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، چاپ دوم، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۳- سحرکاکوروی، احمد حسین، آئینه ی حیرت، تصحیح و تعلیق رئیس احمد نعمانی، پتنه، خدابخش اورینتل پبلک لائبریری، ۱۹۹۶.
- ۱۴- سعدی، مصلح بن عبدالله، کلیات، با مقدمه و تصحیح محمد علی فروغی، چاپ پنجم، تهران: نشر طلوع، ۱۳۷۸.
- ۱۵- سعیدی، غلامرضا، مسأله ی کشمیر و حیدرآباد، تهران، ۱۳۲۸ ش.

- ۱۶- سنایی، مجدودبن آدم، دیوان، مقدمه، شرح زندگی و شیوه سخن سرایی سنائی به قلم بدیع الزمان فروزانفر، به اهتمام پرویز بابائی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۰.
- ۱۷- سید عبدالله، ادبیات فارسی در میان هندوان، ترجمه ی محمد اسلم خان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۱.
- ۱۸- سید نصری، حمیدرضا، کشمیر: گذشته، حال، آینده، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۹- شیروانی، ریاض احمد، غنی کشمیری احوال و آثار و سبک اشعار او، سرینگر: جمواند کشمیر اکادمی، بی تا.
- ۲۰- صابر آفاقی، احمدالدین، «صوفیان کشمیر و نقش آن در نشر فرهنگ و ادب فارسی»، هنر و مردم، دوره ی جدید، ش ۱۱۲ و ۱۱۳، ۱۳۵۰.
- ۲۱- صافی، قاسم، سرزمین و مردم پاکستان، تهران: حسینیه ی ارشاد، ۱۳۷۸.
- ۲۲- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران: فردوس، ۱۳۶۴.
- ۲۳- فرخی سیستانی، دیوان، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، ۱۳۳۵.
- ۲۴- کلیم کاشانی، دیوان، به تصحیح پرتو بیضائی، خیام، ۱۳۳۶.
- ۲۵- کھویامی، پیر غلام حسن، تاریخ حسن، بخش ۱ و ۲، بخش ۴ (۱۹۶۰) سرینگر، محکمه ی تحقیق و اشاعت حکومت جمون و کشمیر، بی تا.
- ۲۶- محمد ظفرخان، «سالم کشمیری»، هلال، ج ۹، ش ۴ (ش مسلسل ۳۸) ۵۰-۵۵، ۱۳۴۱ ش.
- ۲۷- «کشمیر در عهد جهانگیر»، هلال، ج ۱۰، ش ۳ (ش مسلسل ۴۱)، ۱۳۴۱.
- ۲۸- مصاحب، غلامحسین، دایره المعارف اسلامی، با همکاری مؤسسه ی فرانکلین، ۱۳۵۶.
- ۲۹- نصرآبادی، میرزاهمّد، تذکره نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی، کتاب فروشی فروغی، تهران، ۱۳۵۲.
- ۳۰- نظامی، الیاس بن یوسف، خسرو و شیرین، با حواشی و تصحیح حسن وحید دستگردی؛ به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۵.
- ۳۱- نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران: فروغی، ج ۲، ۱۳۴۴.
- ۳۲- نقش علی، باغ معانی، تذکره ی شعرای فارسی (سده ی دوازدهم)، تصحیح و ترتیب عابدرضا بیدار، چاپ دوم، پتنه، خدابخش اورینتل پبلک لائبریری، ۱۹۹۲.
- ۳۳- نقوی، علیرضا، تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران: علمی، ۱۳۴۳ ش.

۳۴- هدایت، رضاقلی خان، مجمع الفصحی، به کوشش مظاهر مصفا، تهران:

امیرکبیر، ج۶، ۱۳۳۶-۱۳۴۰.

References

- 1- Arezo, Serajodin Ali Khani. **Majmaonafayes**. biography of Persian Poets(twelfth one- hundred) ,correction and arrangement is written by Abed Reza Bidar, Patne, Khodabakhsh Oriental public library, No date.
- 2-Aftab Asghar .**Armaghane Keshmir**,Lahoor:Faran publication and culture Home of Islamic Republic of IRAN, 1992.
- 3- Aslah, **Tazkereye shoaraye keshmir**,correction and margiral note by seyed Hesamodine Rashedi, Karachi: Eghbal Academy, 1346.
- 4-Eghbali, gholam hosain ,**Barresiye strategy manategh Pakistan**, Afghan promotion thesis, Tehran, No date
- 5- Ansari, sharifonesa bigom . **Hayat va Tasnifate Mirza abotalebe Kalim Hamedani**,Hidar Abade Dakan: Matbae ebrahimie publication (The urdu), 1961.
- 6-Anoshe, Hasan. **Daneshnameh zaban va Adabiyate Farsi dar shebhegharreh**. Tehran: persian literature and language Academy, 1380.
- 7- Tiko, g.l .**Bargozidei-ye- az Parsisorayane keshmir**. Tehran: Indian and Iran association, 1342.
- 8- Hafez, khajeh shamsodin mohammad. **Divan**. by the good affices of phd khatib Rahbar, fifeth Edition, Tehran: safi Alishah publication, 1389.
- 9-Dehkhoda, Ali Akbar. **Loghatnameh**. First Edition of new period, rozaneh publication, 1373.
- 10-Radfar, Abolghasem. **Keshmir**. Tehran: cultural investigation, 1385.
- 11-Rashidi, seyed hesamodin. **Tazkereyeh Shoaraye Keshmir**. part one, second edition, Lahor Eghbal Pakistan Academy, part two and three, second edition, 1982, part four,first edition, Kerachi: Eghbal Academy 1969m, 1983.
- 12- Reyaz, mohammad. **Ahval va Asar va Ashare mir seyed Ali Hamedani**. second edition, Eslam abad: persian investigation center of Iran and pakistan, 1370.
- 13- Sahar kakoroy, Ahmad hosain. **Aeneh-ye- heirate**. correction and abeyance of Reyes Ahmad Nemani peteneh, khodabakhshe Oriental public library, 1996.

- 14-Saydi,mosleh son of Abdolah .**koliat**. with introduction and correction of Mohammad Ali Foroghi, fifthEdition, Tehran:Toloe publication, 1378.
- 15-Saedi,golam Reza. **Masaleyeh Hidar Abad va Keshmir**.Tehran, 1328.
- 16-Sanai,Majdod son of Adam. **Divan**. introduction,biography and Orator method of sanaie written by badiozamane Forozanfar, by the good affices of Parvize Babaie Fourth Edition, Tehran:Negah publication, 1390
- 17-seyed Abdolah. **Adabiyate Farsi dar miyane Hendiyan**. Translation by Mohammad Aslam khan,Tehran: pious Foundation of Mohamad Afshar ph.d, 1371.
- 18-Sayed Naseri, Hamid Reza. **Keshmir: Gozashteh**. Hal,Ayandeh,Tehran, 1380.
- 19- Shirvani, Reyaz Ahmad, **Ghane Keshmiri Ahval va Asar va Sabke Ashare** ,serinegar: Gemonaynd Keshmir Akademi, bita
- 20- Saber Afaghi, Ahmadodin. **Sufian Keshmir va Naghshe An dar Nashre Farhang va Adabe Farsi** .art and people, new period,vol. 112 and 113, 1350.
- 21-safi, ghasem, **Sarzamin va Mardome pakestan**,Tehran:Ershad hosenieh, 1378
- 22-Safa,Zabiholah. **Tarikh Adabiyate Iran**.Tehran:Ferdos, 1364.
- 23-Farokhi Sistani, **Divan**, by correction Mohammad DabirSiaghi, Tehran, 1335.
- 24-Kalim Kashani .**Divan**.by correction of parto Beyzaie, Khayam, 1336.
- 25-Kahoyami, pirgholam Hasan. **Tarikhe Hasan**. part one and two(BI M,BI Na,bita). part four (1960) in manton of persion poets, serinegar:investigation and publication Keshmir and jomo government, No date
- 26-Mohammad Zafarkhan. **Salem Keshmiri**. helal vol.9, No.4 (linked chained 38n)50-55, 1341.
- 27----- .'**Keshmir Dar Ahde jahangir**', vol. 10, No.3 (41n chained)
- 28-Mosaheb Gholahossein. **Dayeratolmaaref Eslami** .Tehran: Amirkabir
- 29-NasrAbadi, Mirzamohammad. **Tazkereye Nasrabadi**. Edition by Vahid Dastgerdi, Forighi bookshop,Tehran, 1352.

30-Nezami, Elyase son of yosef. **Khosrow va Shirin**.with Morginal note and edition by Hasan Vahid Dastgerdi, by the good offices of saeid hamidian,Tehran: GHatreh publishing house, 1385.

31-Nafisi, Saeid. **Tarikhe Nazm va Nasr dar Iran va dar Zabane Farsi**.Tehran,Forooghi: Vol. 2, 1349.

32-Naghsh Ali. **Baghe Maani, biography of persion poetry(twelfth one-hundred)**.correction and arrangement is written by abed Reza Bidar, patne,Khodabakhsh Oriental public library, 1992.

33-Naghavi,Alireza.**Tazkere Nevisi Farsi dar Hend and pakestan**,Tehran: scientific, 1343.

34-Hedayat,Reza GHoli khan.**majmao Fosaha, by the good affices of Mazaher Mosaffa**.Tehran:AmirKabir publication, vol. 6, 1336-1340

